

ترور والتر گینس، بارون موین اول: نقطه عطفی در مناقشه فلسطین

در ۶ نوامبر ۱۹۴۴، خیابان‌های قاهره صحنه عملی خشونت‌آمیز سیاسی شوکه‌کننده‌ای شد که در سراسر خاورمیانه و فراتر از آن طنین‌انداز گردید. والتر ادوارد گینس، بارون موین اول، وزیر مقیم بریتانیا در خاورمیانه، توسط دو عضو گروه شبه‌نظامی یهودی لهی (معروف به باند اشترن) ترور شد. این عمل جسورانه نه تنها جان یک سیاستمدار برجسته بریتانیایی را گرفت، بلکه مسیر احتمالی به سوی یک دولت یهودی را نیز مسدود کرد و مناقشه پرتلاطم موجود در فلسطین را تشدید نمود. ترور لرد موین همچنان لحظه‌ای محوری در تاریخ سیاست استعماری بریتانیا، افراط‌گرایی صهیونیستی، و مبارزه برای کنترل فلسطین به شمار می‌رود.

مرد: والتر گینس، بارون موین اول

والتر ادوارد گینس، بارون موین اول (۱۸۸۰-۱۹۴۴)، سیاستمدار برجسته بریتانیایی، تاجر، سرباز، و عضوی از خانواده انگلو-ایرلندی آبجوسازی گینس بود. او در ۲۹ مارس ۱۸۸۰ در دوبلین ایرلند به دنیا آمد و سومین پسر ادوارد گینس، ارل آیوگ اول، وارث سلسله ثروتمند و بانفوذ گینس بود. در کالج ایتون تحصیل کرد و در نقش‌های رهبری برجسته بود؛ ریاست انجمن معتبر «پاپ» و کاپیتان قایق‌ها را بر عهده داشت. در سال ۱۹۰۳ با لیدی اولین هیلدا استوارت اِرسکین، دختر ارل بوکن چهاردهم، ازدواج کرد. این زوج سه فرزند داشتند، از جمله جانشین او، برایان گینس، بارون موین دوم، که بعدها شاعر و رمان‌نویس شد.

تربیت موین در رفاه، حس وظیفه‌شناسی او را تضعیف نکرد. معاصران او را هوشمند، دقیق و متعهد به منافع عمومی توصیف می‌کردند؛ او تمام عمر خود را وقف خدمت نظامی و سیاسی کرد. ثروت عظیم خانوادگی‌اش — تخمیناً حدود سه میلیون پوند — به او نفوذ و استقلال بخشید که از آن برای پیگیری منافع اصلاحی در کشاورزی، مسکن و سیاست استعماری استفاده کرد.

خدمت نظامی

حرفه نظامی گینس در جنگ دوم بوئر (۱۸۹۹-۱۹۰۲) آغاز شد، زمانی که داوطلبانه به یومانی امپراتوری پیوست، در نبرد زخمی شد و مدال آفریقای جنوبی ملکه را دریافت کرد. در جنگ جهانی اول در مصر، گالیپولی و فرانسه جنگید و به درجه سرهنگ دوم رسید. دو بار به خاطر شجاعت با نشان خدمت برجسته (DSO با نوار) مفتخر شد و پیوندی مادام‌العمر با خاورمیانه برقرار کرد. دفترچه خاطرات جنگی او که در سال ۱۹۸۷ منتشر شد، سربازی تأمل‌برانگیز با حس عمیق انسانی و تاریخی را نشان می‌دهد — مردی که امپراتوری را هم وظیفه و هم بار می‌دید.

حرفه سیاسی

پس از بازگشت از جبهه، گینس به عنوان سیاستمدار محافظه‌کار وارد زندگی عمومی شد. در شورای شهرستان لندن (۱۹۰۷-۱۹۱۰) خدمت کرد و نماینده پارلمان از بوری سنت ادموندز از ۱۹۰۷ تا ۱۹۳۱ بود. در حرفه‌ای نزدیک به سه دهه، چندین سمت تأثیرگذار داشت: معاون وزیر جنگ (۱۹۲۲-۱۹۲۳)، دبیر مالی خزانه (۱۹۲۳-۱۹۲۵)، و وزیر کشاورزی و شیلات (۱۹۲۵-۱۹۲۹)، جایی که کشت چغندر قند و مدرنیزاسیون روستایی را ترویج داد.

در سال ۱۹۳۲ به عنوان بارون موئن به مقام اشرافی رسید و در مجلس لردها خدمت کرد. در تحقیقات عمومی بزرگ مشارکت داشت، از جمله کمیته ۱۹۳۳ پاکسازی زاغه‌نشین‌ها، کمیسیون سلطنتی دانشگاه دورهام ۱۹۳۴، و کمیسیون سلطنتی هند غربی ۱۹۳۸. در جنگ جهانی دوم، موئن دوباره به دولت پیوست به عنوان دبیر مشترک پارلمانی وزارت کشاورزی (۱۹۴۰-۱۹۴۱)، وزیر امور مستعمرات و رهبر مجلس لردها (۱۹۴۱-۱۹۴۲)، و سرانجام وزیر مقیم در خاورمیانه (۱۹۴۲-۱۹۴۴). در این سمت، استراتژی بریتانیا را در سرزمین‌هایی از لیبی تا ایران نظارت کرد و نماینده ارشد وینستون چرچیل در منطقه بود.

تجارت و پیگیری‌های دیگر

به عنوان مدیر آجوسازی گینس، موئن در گسترش جهانی کسب‌وکار خانوادگی نقش داشت. شرکت بریتیش پاسیفیک پراپرتیز را در ونکوور تأسیس کرد و ساخت پل لاینز گیت را که در ۱۹۳۹ افتتاح شد، سفارش داد. به عنوان خیر، صندوق‌های مسکن در لندن و دوبلین را برای بهبود شرایط خانواده‌های کارگری تأمین مالی کرد.

کنجکاو و روح ماجراجویی موئن او را فراتر از سیاست و تجارت برد. قایقران مشتاق و کاوشگر بود، چندین قایق تفریحی تبدیل شده — آرفا، روسالکا و روزاورا — داشت و سفرهایی در اقیانوس آرام و هند انجام داد. در ۱۹۳۵ اولین اژدهای کومودو زنده را به بریتانیا آورد و مجموعه‌های جانورشناسی و قوم‌نگاری‌اش بعداً به موزه‌ها اهدا شد. کتاب‌های «واک‌آبات: سفری میان اقیانوس آرام و هند» (۱۹۳۶) و «دایره اطلس» (۱۹۳۸) را نوشت که علاقه‌اش به انسان‌شناسی و درک بین‌فرهنگی را نشان می‌دهد.

زمینه تاریخی: خاورمیانه و بحران فلسطین

ترور والتر گینس، بارون موئن اول، در میان تشدید تنش‌ها در قیومیت بریتانیا بر فلسطین در جنگ جهانی دوم رخ داد. به عنوان وزیر مقیم در خاورمیانه از ۱۹۴۲، موئن مسئول نظارت بر استراتژی جنگی در منطقه‌ای حیاتی برای امپراتوری بریتانیا و تأمین نفت بود. این شامل اجرای کاغذ سفید ۱۹۳۹ بود که مهاجرت یهودیان به فلسطین را به شدت محدود کرد — به ۱۵۰۰ مهاجر در ماه.

برنامه‌ریزی و عاملان

ایده ترور وزیر مقیم بریتانیا از بنیان‌گذار لهی، آبراهام «یائیر» اشترن، سرچشمه گرفت که آن را ضربه‌ای نمادین به نظام امپراتوری بریتانیا می‌دید. پس از مرگ اشترن در ۱۹۴۲، طرح تحت رهبری جدید لهی، از جمله بیتسحاق شامیر — نخست‌وزیر آینده اسرائیل — احیا شد. دو جوان یهودی فلسطینی، الياهو حکیم (۱۹ ساله) و الياهو بت-زوری (۲۲ ساله)، برای مأموریت انتخاب شدند. آن‌ها نه تنها به خاطر تعهدشان، بلکه به خاطر توانایی‌شان در جلب توجه بین‌المللی به آرمان یهودی از طریق حمله‌ای خارج از فلسطین — اولین عملیات لهی در خارج — انتخاب شدند. لهی عمداً موئن را به عنوان اشراف‌زاده بریتانیایی ایرلندی‌تبار بلندپایه هدف قرار داد که مرگش در سراسر امپراتوری طنین‌انداز می‌شد. در برنامه‌ریزی،

گروه بر پتانسیل ترور برای دراماتیزه کردن رنج یهودیان، به چالش کشیدن اقتدار بریتانیا، و به تصویر کشیدن مبارزه صهیونیستی به عنوان بخشی از کمپین جهانی ضداستعماری تأکید کرد.

ترور: حمله‌ای دقیق برنامه‌ریزی شده

در اوایل بعدازظهر ۶ نوامبر ۱۹۴۴، حکیم و بت-زوری نزدیک اقامتگاه موین در جزیره گزیره قاهره منتظر ماندند. حدود ساعت ۱:۱۰ بعدازظهر، خودروی موین رسید، رانندگی شده توسط سرجوخه آرتور فولر و حامل منشی‌اش دوروتی اوزموند و کمکش سرگرد اندرو هیوز-آنسلو. ترورکنندگان با دوچرخه نزدیک شدند. بت-زوری فولر را در سینه گلوله زد و او را فوراً کشت. حکیم در خودرو را باز کرد و سه گلوله به موین شلیک کرد: یکی به گردنش بالای ترقوه، دیگری به شکمش — سوراخ کردن روده بزرگ و گیر کردن نزدیک ستون فقرات — و سومی زخمی سطحی به انگشتان و سینه‌اش. موین به بیمارستان نظامی بریتانیایی منتقل شد اما همان روز در سن ۶۴ سالگی بر اثر جراحات جان باخت. عاملان گریختند اما توسط پلیس مصر تعقیب شدند. پس از تبادل آتش کوتاه، دستگیر شدند و تقریباً توسط تماشاگران خشمگین لینچ شدند پیش از بازداشت. تحلیل پزشکی قانونی بعداً سلاح‌هایشان را به عملیات قبلی لهی علیه مقامات بریتانیایی مرتبط کرد.

پیامدهای فوری

ترور جهان را شوکه کرد و تیتراژ اول روزنامه‌ها شد. مقامات بریتانیایی، از ترس ناآرامی، از سرکوب جمعی علیه جامعه یهودی خودداری کردند اما امنیت را در سراسر خاورمیانه تقویت نمودند. در مصر، برخلاف تبلیغات لهی، تظاهرات فوری حمایت از لهی وجود نداشت، هرچند یک سال بعد، در نوامبر ۱۹۴۵، شورش‌های ضد یهودی در قاهره و اسکندریه رخ داد که چندین کشته و خسارت گسترده اموال به همراه داشت. اطلاعات بریتانیا نسبت به حملات تقلیدی احتمالی هشدار داد — نگرانی‌ای که با ترور نخست‌وزیر مصر احمد ماهر در فوریه ۱۹۴۵ محقق شد. در میان تأثیرپذیران از رویداد، افسر جوان مصری به نام جمال عبدالناصر بود که ظاهراً شجاعت و عزم ضداستعماری ترورکنندگان را تحسین می‌کرد.

محاکمه و اعدام

حکیم و بت-زوری در ژانویه ۱۹۴۵ در دادگاه نظامی مصر محاکمه شدند. آن‌ها از دادرسی برای ایراد سخنرانی‌های آتشین در دفاع از اعمالشان به عنوان بخشی از مبارزه جهانی برای آزادی ملی استفاده کردند. ادبیات تاریخ انقلابی مصر را درخواست کردند و آرمان خود را با جنبش‌های ضد امپراتوری در هند و ایرلند مقایسه نمودند. با وجود درخواست‌های گسترده برای عفو — از جوامع یهودی، روشنفکران بین‌المللی، و حتی یک گاندی‌گرا هندی که آن‌ها را با جان براون و جمهوری خواهان ایرلندی مقایسه کرد — محکوم و به اعدام محکوم شدند. فرجام‌خواهی‌ها رد شد و هر دو مرد در ۲۲ مارس ۱۹۴۵ به دار آویخته شدند. مقامات بریتانیایی، از جمله سفیر مایلز لمپسون، بر اجرای سریع اعدام‌ها اصرار داشتند، از ترس اینکه هر نشانه‌ای از تساهل حملات بیشتری را تشویق کند.

واکنش وینستون چرچیل

والتر گینس یکی از نزدیک‌ترین دوستان شخصی و متحدان سیاسی وینستون چرچیل بود. این دو مرد «باشگاه دیگر» را با هم تأسیس کردند و تعطیلات مشترک داشتند، از جمله سفر قایقی در ۱۹۳۴. چرچیل از مرگ موین ویران شد و آن را «عملی نفرت‌انگیز از بی‌وفایی» نامید. در سخنرانی‌اش در پارلمان در ۱۷ نوامبر ۱۹۴۴ هشدار داد که «دود تپانچه‌های ترورکنندگان»

نباید سیاست را دیکته کند. نشست برنامه‌ریزی‌شده کابینه برای بحث درباره تقسیم فلسطین را لغو کرد و به طور قابل توجهی نسبت به رهبران صهیونیست سردتر شد و به پیام‌های شخصی وایزمن پاسخ نداد. مکاتبات آزادشده اصرار چرچیل بر عدم عفو ترورکنندگان را نشان می‌دهد — موضعی که هم غم و هم محاسبه سیاسی را منعکس می‌کرد. هرچند چرچیل همدردی گسترده‌تر خود با صهیونیسم را رها نکرد، ترور دیدگاه او را برای همیشه تغییر داد. دوستی شخصی را به شکاف سیاسی تبدیل کرد و هزینه‌های اخلاقی و استراتژیک موقعیت بریتانیا در خاورمیانه را برجسته نمود.

تأثیرات بلندمدت و پیامدهای گسترده‌تر

ترور لرد موئن پیامدهایی داشت که بسیار فراتر از لحظه فوری آن بود. بی‌اعتمادی بین بریتانیا و جنبش صهیونیستی را عمیق‌تر کرد، پیشنهاد تقسیم نزدیک‌مدت را خنثی نمود، و به تصمیم نهایی بریتانیا برای واگذاری قیمومیت کمک کرد. تشدید بعدی خشونت به رأی تقسیم سازمان ملل در ۱۹۴۷ و تأسیس اسرائیل در ۱۹۴۸ منجر شد. در اسرائیل، ترورکنندگان که در سطح جهانی به عنوان تروریست محکوم شده بودند، به عنوان شهدای آزادی ملی بازتصویر شدند. در ۱۹۷۵، بقایایشان در تبادل زندانی از مصر بازگردانده شد و با افتخارات کامل نظامی در کوه هرتسل اورشلیم دوباره دفن گردید.

سایه ماندگار: روابط بریتانیا-اسرائیل و پیوند سلطنتی

میراث ترور لرد موئن بسیار فراتر از دهه ۱۹۴۰ رفت و سایه‌ای ظریف اما پایدار بر روابط بریتانیا-اسرائیل انداخت. یکی از ماندگارترین نمادهای آن، غیبت ملکه الیزابت دوم از اسرائیل در طول سلطنت هفتاد ساله‌اش بود. با وجود بازدید از بیش از ۱۲۰ کشور و دریافت دعوت‌های متعدد از رهبران اسرائیلی، هرگز بازدید رسمی دولتی انجام نداد.

در حالی که دولت بریتانیا سیاستی غیررسمی برای منع بازدیدهای سلطنتی از اسرائیل برای جلوگیری از بیگانگی متحدان عرب و به خطر انداختن روابط تجاری در منطقه حفظ می‌کرد، عوامل شخصی و تاریخی نیز نقش داشتند. خاطره حملات شبه‌نظامیان صهیونیست علیه پرسنل بریتانیایی در دوران قیمومیت — به ویژه ترور لرد موئن در ۱۹۴۴، دوست نزدیک وینستون چرچیل — تأثیر ماندگاری بر سلطنت و نهاد بریتانیایی گذاشت. قتل موئن، بخشی از کمپین گسترده‌تر خشونت که شامل بمب‌گذاری هتل کینگ دیوید در ۱۹۴۶ با ۹۱ کشته (از جمله مقامات و غیرنظامیان بریتانیایی) بود، برای بسیاری در حلقه‌های حاکم بریتانیا دوره‌ای از خیانت و از دست دادن را نمادین کرد.

برخی گزارش‌ها حاکی از آن است که این خاطرات ادراکات خصوصی ملکه را شکل داد. یک روایت ادعا کرد او معتقد بود «هر اسرائیلی یا تروریست است یا پسر تروریست» — بازتابی از عمق درونی‌سازی چنین رویدادهایی توسط نسلی از نخبگان بریتانیایی که پایان خشونت‌آمیز امپراتوری در فلسطین را شاهد بودند. در نتیجه، مقامات اسرائیلی به ندرت مخاطبان انفرادی در کاخ باکینگهام دریافت می‌کردند، با تماس‌ها عمدتاً محدود به رویدادهای چندجانبه یا تشریفات. سایه ترور لرد موئن بنابراین به پروتکل دیپلماتیک مدرن گسترش یافت و نشان داد چگونه تروماهای امپراتوری می‌توانند به شیوه‌های ظریف اما قدرتمند در طول دهه‌ها ادامه یابند.

نتیجه‌گیری

ترور والتر گینس، بارون موئن اول، بیش از قتل یک مقام بریتانیایی بود — رویدادی لرزه‌ای بود که مسیر مناقشه فلسطین را دوباره شکل داد و فروپاشی امپراتوری خاورمیانه بریتانیا را تسریع کرد. موئن، سرباز، دولتمرد و اصلاح‌طلب، نماینده

نژادی در حال انقراض از عمل‌گرایان امپراتوری بود که در میان ملی‌گرایی‌های رقابتی تعادل می‌جستند. مرگ او یک میانجی بالقوه را خاموش کرد و نگرش‌ها را در همه طرف‌ها سخت‌تر نمود.

از منظر هنجارهای بین‌المللی معاصر، کشتن یک دیپلمات خارجی بلندپایه در خاک خارجی بدون ابهام به عنوان عمل تروریستی طبقه‌بندی می‌شود. تعاریف مدرن — مانند آن‌هایی که توسط سازمان ملل و اکثر دولت‌های ملی استفاده می‌شود — خشونت سیاسی عمدی علیه مقامات غیرمبارز برای تأثیرگذاری بر سیاست را به عنوان تروریسم شناسایی می‌کنند، صرف‌نظر از انگیزه یا آرمان. در حالی که لهی اعمال خود را به عنوان مقاومت ضداستعماری قاب‌بندی کرد، هدف‌گیری یک رهبر سیاسی غیرنظامی در خارج به طور کامل در مفهوم امروزین تروریسم قرار می‌گیرد و تنش پایدار بین خشونت انقلابی و مشروعیت اخلاقی را برجسته می‌کند.

منابع

- Barnett, Correlli. The Collapse of British Power. London: Methuen, 1972
- Ben-Yehuda, Nachman. Political Assassinations by Jews: A Rhetorical Device for Justice. Albany: State University of New York Press, 1993
- Churchill, Winston S. The Second World War: Volume VI – Triumph and Tragedy. London: Cassell, 1954
- Cohen, Michael J. Churchill and the Jews. London: Frank Cass, 1985
- Gilbert, Martin. Winston S. Churchill: The Prophet of Truth (1922–1939). Boston: Houghton Mifflin, 1977
- Hoffman, Bruce. Anonymous Soldiers: The Struggle for Israel, 1917–1947. New York: Knopf, 2015
- Louis, Wm. Roger. The British Empire in the Middle East, 1945–1951. Oxford: Clarendon Press, 1984
- Porath, Yehuda. The Emergence of the Palestinian-Arab National Movement, 1918–1929. London: Frank Cass, 1974
- Shindler, Colin. A History of Modern Israel. Cambridge: Cambridge University Press, 2008
- Wasserstein, Bernard. The British in Palestine: The Mandatory Government and the Arab-Jewish Conflict, 1917–1929. Oxford: Basil Blackwell, 1978
- Wasserstein, Bernard. Herbert Samuel: A Political Life. Oxford: Clarendon Press, 1992
- Weizmann, Chaim. Trial and Error: The Autobiography of Chaim Weizmann. New York: Harper & Brothers, 1949
- Wistrich, Robert S. Zionism and Its Discontents: Essays on the Jewish Struggle for Statehood. New York: Oxford University Press, 2017
- The Times (London). “The Murder of Lord Moyne.” Editorial, November 8, 1944
- Ha’aretz. “The Death of Lord Moyne: Consequences for Zionism.” November 1944

- .Hansard Parliamentary Debates. House of Commons, 17 November 1944, vol. 404
- Royal Archives. Correspondence Relating to Middle East Policy and the Assassination
- .of Lord Moyne, 1944–1945. Windsor Castle: Royal Archives Collection
- Segev, Tom. One Palestine, Complete: Jews and Arabs under the British Mandate.
- .New York: Metropolitan Books, 2000
- Smith, Charles D. Palestine and the Arab-Israeli Conflict: A History with Documents.
- .9th ed. Boston: Bedford/St. Martin's, 2021